

## زندان تبریز

### جهنم واقعی در حکومت اسلامی

زندان تبریز از قدیمیترین زندانهای ایران است که حداکثر ظرفیت آن ۲۰۰۰ زندانی می باشد ولی اکنون بیش از ۶۰۰۰ زندانی در آن مبحوس هستند یعنی سه برابر ظرفیت (این دقیقاً نمونه آن اماری است که رییس زندانها سال قبل اعلام کرد زندانهای ما ظرفیت ۸۰ هزار زندانی را دارد در حالی که بیش از ۲۴۰ هزار زندانی داریم. در حالی که معمولاً آمار مسئولین همیشه کمتر از واقعیت می باشد.)

در تمامی بند های زندان تبریز علاوه بر تخت های دور تا دور اطاقها و سالنها ، کف خواب در داخل اطاقها و در مواقعی که اعتراضات و تظاهرات در بیرون جریان دارد کف خوابی در سالنها نیز امری عادی و مرسوم شده است.

کمبود پتو که در مواقع دستگیری های گسترده یعنی درست زمانی که کوچه ها و خیابانها پذیرای اعتراضات هستند برای هر نفر یک پتو می رسد. و این موضوع از نظر مسئولین نه تنها مهم نیست بلکه امری عادی محسوب می گردد ، وبی شرمانه با تمسخر اعلام می کنند آن هم از سر شما زیاد است این دیگر از برکات تربیت و اخلاق اسلامی است.

در این زندان بهداشت وجود واقعی ندارد . در عوض وجود سوسک، شپش ، موش و... کاملاً عادی شده و به وفور یافت می شوند. وضعیت سرویس های بهداشتی افتضاح است که حال هرکسی را به محض ورود به هم می زند و برخی از زندانیان تازه وارد چند روز اول را با حالت شدید تهوع سر می کنند. جای شستن ظروف، لباس ، محل توالت و حمام همگی در یک فضای بشدت کثیف و بسیار کوچک و متروک می باشد. نمونه این وضعیت را فقط در زندانهای قرون وسطا که در فیلم های تاریخی دیده ایم می توان تجسم کرد.

تقریباً ظرف مایع دستشویی همیشه خالی است ممکن است در هفته یک روز در آن مایع دستشوی دید. زندانیان موقع خروج از توالت دست های خود را با آب خالی ، آنهم آبی که هرگز تصفیه نشده در واقع آب مضاعف می شورند. از همین آب برای حمام ، شستن ظروف و آشامیدن استفاده می کنند. همه نوع امراض به وفور یافت می شود. حتی بیماریهای جدید هم ظهور پیدا می یابند . از طریق زندانیان آزاد شده یا به مرخصی رفته این امراض به خانواده ها و سپس به کل جامعه هم تسری پیدا می کنند.

چیزی به نام درمان ، درمانگاه و بهداری واقعا وجود خارجی ندارد. بطوری که در خرداد ماه سال جاری سه نفر در بندهای ۹ و مالی به علت عدم رسیدگی جان باختند. فردی که در بند مالی این گونه به قتل رسید . تا صبح از درد به خود می پیچید و ضجه می زدو هرچه دیگر زندانیان مسئولین را صدا کردند کسی جواب به درد بخور نداد تا اینکه آن فرد نزدیکهای صبح مرد. در بند ۱۲ یک نفر بر اثر کشیدن دندان خود قبل از ظهر در مثلاً درمانگاه زندان دچار خونریزی شدید شده بود آمپول انعقاد خون وجود نداشت و مسئولین هم برای تهیه آن هیچ زحمتی به خود ندادند تا اینکه با فریاد ها زندانی که بر اثر خون ریزی هر لحظه ضعیفتر می شد و با اعتراضات دیگر زندانیان به حمایت از او و تلاش بسیار زیاد خانواده اش بالاخره ساعت سه نیمه شب مسئولین اجازه دادند آمپولی که خانواده اش تهیه کرده بودند به دست زندانی برسد و در آخرین لحظات از مرگ نجات یابد.

اغلب سرما خوردگی های معمولی به دلیل عدم رسیدگی و آلودگی شدید محیط به شدت مزمن و اپیدمی شده و باعث بستری شدن بسیاری در اطاقهای زندان می گردند که البته هر روز بر ضعف و بیماری آنها افزوده می شود . بطوریکه دائماً در هر

اطاقی حداقل ۴ نفر سرما خورد دراز کش هستند. در این زندان برای ۶۰۰۰ زندانی فقط ۲ پزشک عمومی وجود دارد که آنها نیز اغلب مواقع حضور ندارند طبق شمارش زندانیان هر ماه حداقل یک زندانی بر اثر بیماری ساده و پیش پا افتاده کشته می شود.

غذایی که به زندانیها داده می شود به قدری بی خاصیت ، بد بو و الوده است که اغلب زندانیان به علت کمبود همین غذا مجبوره خرید از فروشگاه با چندین برابر قیمت واقعی هستند. آنها بیکه قدرت خرید ندارند (۷۰ درصد از زندانیان) مجبور می شوند با کار برای نظافت عمومی و حتی شستن لباس و ظروف افراد پول دارمخارج خود را تا حدودی جبران کنند. و چون کار شستشو نسبت به تعداد افراد بی پول بسیار کم است بسیاری مجبورند از طریق اعمال دیگر مانند خرید و فروش قرص های اعصاب و روانگردان ، مواد مخدر و حتی تنم فروشی نیاز های اولیه خود را به دست آورند. خرید و فروش و مصرف مواد مخدر کاملاً علنی و مرسوم است. مثلاً " هر کام شیشه ۱۰۰۰ تومان و دو کام ۱۸۰۰ تومان است . یعنی به قیمت یک کارت تلفن. با توجه به اینکه پول نقد به طور رسمی در زندان یافت نمی شود معامله ها کالا به کالا است مثلاً " دو کام شیشه می گیری در عوض یک کارت تلفن که با کارت حساب بانکی از فروشگاه زندان خریده ای می دهی ، کسی که کارت تلفن را دریافت کرده است به کس دیگری می دهد و از طریق کارت حساب بانکی گیرنده کارت تلفن، یک کیلو میوه یا دو بسته سیگار می گیرند و همه کالا ها را به این صورت خرید و فروش می کنند که البته سیگار کالای واسطه درجه اول است .

در هر وعده غذای خورشتی که به زندانی می دهند به اندازه ده گرم گوشت وجود ندارد چیزی به نام دسر معنا ندارد. زندانیهای که توان مالی دارند اقدام به خرید مواد غذای و میوه البته با چندین برابرگراتر از قیمت اصلی می کنند.

تمامی زندانیان با جرائم مختلف از جمله مالی ، مخدر، دیه ، قتل ، لواط ، زنا و سیاسی یک جا نگهداری می شوند . بطوریکه افراد عادی در کنار مجرمین خطرناک همیشه در معرض انواع تعرض های علنی، تجاوز جنسی ، آلودگی به مواد مخدر و... قرار دارند. توسط شاهدان عینی بیان می شود که از اول سال ۱۳۹۰ تا کنون در بند ۱۲ محکومین چهار نفر جوان که به ۳ تا ۶ ماه زندان محکوم شده بودند معتاد شده اند و سپس مورد لواط و بردگی جنسی قرار داده شده اند. این هم از برکات اسلام ناب محمدی است. طبق تحقیقات غیر رسمی در میان زندانیان بین ۶۰ تا ۷۰ درصد افراد سالم مخصوصاً جوانان وقتی از زندان آزاد می شوند معتاد هستند.

برخورد مامورین و مسئولین زندان با زندانیان به شدت تحقیر آمیز و سرکوبگرانه است ، هرگونه اعتراض و حتی درخواستها را بشدت سرکوب می کنند و زندانی را در بدترین شرایط ممکن قرار می دهند (انتقال به انفرادی، لغو مرخصی، تلفن ، ملاقات و تمامی حقوق زندانی را به مدت طولانی حتی چندین ماه قطع می کنند)

اکثریت قریب به اتفاق مامورین و زندانبانها از نادانترین و پست ترین افراد جامعه دست چین شده اند و به علت مشکلات روانی و عصبی و دیدگاههای آندولوژی عقب مانده - مذهبی دچار رفتارهای هیستریک و پرخاشجو هستند. که با کوچک ترین بهانه زندانیان را مورد ضرب و شتم و آزار قرار می دهند.

ضمن اینکه زندان تبریز برای زندانیان یک زندان قرون وسطایی است در همین حال اینجا برای زندانیان سیاسی زندان در زندان است.

دهها زندانی سیاسی از فعالین ملی ، کارگری و دانشجو گرفته تا افراد مستقل مانند وکیل ، روزنامه نگار و... در این زندان تحت بدترین شرایط و پراکنده در بند های مختلف نگهداری می شوند. کوچکترین تماس و حرکت های آنها تحت نظر مامورین قرار دارد و شدیداً زیر فشار روحی و روانی به سر می برند. زندانیان سیاسی را به عمد در میان خطرناکترین مجرمین و قاتلین ، روان پریش ها و معتادها و... قرار داده اند از این طریق ضمن تحت فشار و شکنجه روحی روانی قرار دادن آنها با پراکنده نگهداشتن شان از اقدامات و زندگی و برنامه های مشترک آنها جلو گیری می کنند. از جمله محمد جراحی از فعالین کارگری را در بند ۹ که بند مجرمین خطر ناک است نگهداری می

کنند به همین ترتیب محبوب بوداگی ، شاهرخ زمانی و نیهات تونجر را در بند ۱۲ محکومین که حداقل ۵۸ نفر مجرم قتل وجود دارد نگهداری می کنند ۱۵ نفر از مبارزین ملی در بند خطر ناک سه گانه مزدوران حکومتی با فشارهای مضاعف مبحوس هستند . در داخل زندان برای سیاسیون زندان در زندان درست کرده اند . دو مبارز سیاسی ترکیه ای که سالهای زیادی در بند مالی با هم بودند به نام های جمهور و نیهات تونجر را از هم جدا کردند ، نیهات را به بند ۱۲ محکومین و جمهور را به بند ۹ دادند .

در بند ۱۲ مزدور جانی به نام جواد ال جواد به نیهات تونجر شدیداً تذکر داده است که در صورت ارتباط با شاهرخ زمانی به بند بدتری مثلاً بند ۹ منتقل خواهد شد. جواد آل جواد یک جانی ، عقده ای ، بد دهن و خشن به معنای واقعی کلمه لمین است ، زندانیان به شدت از او متنفرند آل جواد به حد جنون ضد بشر و ضد انسانیت است که با دیدن یا شنیدن مبارز سیاسی جنونش به اوج می رسد.

علی رغم تلاش و ایجاد ترس و وحشت توسط این مزدور زندانیان معمولی ارتباط بسیار خوبی با زندانیان سیاسی داشته و با احترام خاصی با آنها مرادده دارند. بخصوص نیهات تونجر در بند مالی و همه بندهای که او را می شناسند مورد ستایش زندانیان است ، بخصوص زندانیان قدیمی او را بسیار دوست دارند. با این حال زندانیان سیاسی از کوچکترین حقوق اولیه خود مانند بند مستقل، کتابخانه روزنامه ، گفتگوی دسته جمعی و... محروم هستند.

تشدید نارضایتی عمومی زندانیان :

با توجه به لغو ملاقات های حضوری زندانیان به علت عدم شرکت در کلاس قران و همچنین لغو مرخصی ۱۵ روزه عید فطر و سرگردانی خانواده های آنان و... جو فضای زندان به شدت ملتهب است و مسئولین نسبت به این موضوع آگاهی دارند و بسیار نگران هستند و با توجه به شور و هیجانی که اعتراضات خیابانی در شهر ها ایجاد کرده است هر لحظه امکان شورش وجود دارد. بخصوص با توجه به شورش در سالهای ۸۶-۸۷ که امروز ها بیان خاطرات مستقیم یا شنیده شده از دیگران به نقل مجالس در میان زندانیان تبدیل شده است که نشان از یک روحیه قوی اعتراضی دارد. همچنین لازم به ذکر است که در چند روز گذشته در بند های مختلف در گیری های پراکنده با بهانه های مختلف ریز و درشت بین زندانیان و مسئولین بوجود آمده است. که یکی از آن درگیری ها در بند سه گانه منجر به شکسته شدن شیشه های پنجره سالن بند فوق گردید.

لازم به بیان چند نکته در رابطه با کل زندانهای جمهوری اسلامی است :

۱- سالهاست که پول نقد در نزد زندانیان ممنوع است بلکه هر زندانی یک حساب بانکی دارد که از طریق کارت دیجیتالی پول به حساب او می ریزند و او برای خرید از فروشگاه زندان از آن کارت استفاده می کند. این کارت متعلق به یکی از بانکهای است که خود آن بانکها متعلق به نیروی انتظامی یا سپاه ویا وزارت اطلاعات می باشد و با نگهداری پول زندانیان سرمایه بزرگی کسب می کنند که سود بسیاری دارد مثلاً فرض به گیرید هر زندانی روی هم رفته ۱۰۰ هزار تومان در حسابش باشد با توجه به ۲۴۰ هزار زندانی بیست و چهار میلیارد تومان سرمایه به صورت اجباری در اختیار این نظامیان قرار می گیرد حال سهامداران این بانک ها همان فرماندهان سپاه ، نیروی انتظامی ، بسیج ، وزارت اطلاعات و... هستند که از این سرمایه سود می برند

۲- فروشگاههای زندانها متعلق به شرکتی است که صاحبانش از همان فرماندهان به صورت غیر مستقیم می باشند . بنابراین از این طریق نیز سود هنگفتی به

جیب می زند مثلاً" غذا را نامطلوب می کنند تا زندانیان مجبور به خرید از فروشگاه شوند در همین حال از بیرون برای زندانی هیچ چیزی نمی گذارند بیاورند یعنی زندانیان مجبورند هر چیزی که لازم دارند مانند لباس ، خوراک و... از فروشگاه خریداری کنند و البته به قیمت بسیار گران.

۳- در رابطه با نظافت زندانها ، تهیه غذا برای زندانیان ، ضد عفونی کردن زندان و دیگر خدماتی که باید به زندانی برسانند همگی به شرکت های پیمانکاری سپرده می شوند که تمامی شرکت های پیمانکاری به صورت غیر مستقیم متعلق به همان فرماندهان است که از این طریق نیز با هر چه بیشتر کم کردن خدمات و غذا و غیره هر چه بیشتر سود می برند و بین خود تقسیم می کنند

۴- مورد بعدی وجود مواد مخدر در زندانها است که هیچ شکی وجو ندارد که مسئولین و مامورین در وارد کردن آن مواد به زندانها دست دارند و سود بالایی به جیب می زنند

۵- در تقسیمات جدید زندانها هر بند یک وکیل بند دارد و همچنین هرسالن وهر اطاقی مسئولی دارد و غیره که همگی از میان زندانیا می باشند آنها به دستور و خواست مسئولین زندانها هزینه های تعمیر و باز سازی و نگهداری زندانها را از خود زندانیان می گیرند مثلاً" برای نظافت کردن از هر زندانی هفته ۳ الی ۵ هزار تومان به صورت کالایی می گیرند و آن کالا توسط مامورین به پول تبدیل می شود و زندانیانی که توان پرداخت سهمیه هفتگی را ندارند باید خودشان کارکنند که کارها عبارتند از نظافت و شستشوی عمومی و خصوصی زندانیان پول دار از این طریق نیز سودی به فرماندهان و سهام داران شرکت های پیمان کاری می رسد چون وظیفه آنها را خود زندانیان انجام می دهند ولی پول آن را شرکت پیمان کار دریافت می کند در همین حال زندانیان تعمیر و نگهداری تاسیسات و ساختمان زندان را انجام می دهند و مواد مصرفی لازم را می خرند اما مسئولین زندانها صورت حساب تهیه کرده پولش را به جیب خود می ریزند

با توجه به پنج بند بالا که سود سرشاری می برند فرماندهان و نهاد های مرتبط بدشان نمی آید که زندانی هرچه بیشتر باشد و هر زندانی هرچه بیشتر در زندان بماند . آنها اکنون ضمن اینکه وظیفه دینی و حکومتی خود را در جنایت علیه زندانیان پیش می برند در همین حال منافع مالی بسیاری نیز به جیب می زنند که باعث می گردد هرچه بیشتر جانی و جنایت کارتر شوند.

کمیته حمایت از شاهرخ زمانی

۱۳۹۰/۶/۱۸

[www.chzamani.blogspot.com](http://www.chzamani.blogspot.com)

[freshahrookh@gmail.com](mailto:freshahrookh@gmail.com)